

تأثیرات جهانی شدن بر فضای کلان شهرها

(قسمت اول)



زهره هادیانی

عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان
و دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

جهانی شدن را می توان فرایند تشدید و تعمیق روابط جهانگستر و جهانگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین به منزله یکپارچه کردن بازارها، بخش های اقتصادی و نظام تولید در دو سه دهه اخیر، به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰، تحت اراده و قدرت عظیم جهان صنعتی، خصوصاً شرکت های چندملیتی و فرمانطقه ای و همسویی همه سازمان های قدرتمند جهانی، دانست. با انفجار یا انقلاب اطلاع رسانی و پیامدهای آن برای گسترش اقتصاد جهانی، روی هم رفته جریان جهانی شدن به صورت تحرک بی امان انسان ها، نیروهای کار، و گردش آزاد سرمایه، کالا، خدمات و اطلاعات ارزان و سودآور برای کارگزاران اصلی آن در گستره جهان با ویژگی های کاملاً متفاوت با گذشته، نمایان می شود. تلاش برای جهانگیر کردن سیاست اقتصاد بازار آزاد برای یکدست کردن جهان،

به مثابه یک واحد سیاسی یکپارچه، و

در نتیجه، برقراری نظام نوین

جهانی و امنیت یکپارچه

دهکده جهانی، از تبعات

فرایند جهانی شدن است.

ایالات متحده آمریکا، تنها

ابر قدرت جهان، و متحدان

غربی آن در جریان فراگیر

کردن چنین سیاستی هستند.

فرایند جهانی شدن به

موازات تغییر ساختار

اقتصادی-سیاسی

جهان، دست اندرکار

دگرگون سازی صورت و محتوای چشم اندازهای جغرافیایی انسانی، به ویژه کلان شهرهای جهان، و تبدیل آن ها به جهان شهرها یا شهرهای جهانی است. این فرایند در شهرهای جهانی مانند نیویورک، لندن، پاریس و توکیو به طور سرنوشت سازی اثر داشته است. مطالعه چنین روندی که نظام اجتماعی-سیاسی جدید جهانی شدن را به همراه هندسه فضایی متناسب با آن پدید آورده است و اشاعه می دهد و حتی کلان شهرهای جهان سوم را هم به عنوان گرگناه ها و کانون های جهانی شدن و قوه محرکه توسعه ملی و منطقه ای در درون فرایند جهانی سازی با همه پیامدها، سودها، زیان ها، دشواری ها و نارسایی های آن در بر گرفته است، و در واقع برقراری نوعی رابطه نوین بین کنشگران فعال جهانی با محیط جهانی است، از موضوعات نوین جغرافیای شهری محسوب می شود. افزون بر این، طی این جریان، حاکمیت اقتصادهای ملی ناتوان و کارکرد سرحداث کنونی کشورها دگرگون و به تدریج بی مرزی و جهان سازگاری و دهکده جهانی جایگزین می شود. این مسائل نیز از موضوع های

جدید جغرافیای اقتصادی و سیاسی است. برای مثال،

اتحادیه اروپا با ۲۵ کشور عضو، طلیعه

چنین دگرگونی در فرایند جهانی شدن

کشورهای ملی، کم رنگ شدن

مرزها، یکپارچگی

اقتصاد و همگونی

سیاست اروپایی و

جهانی آن هاست.

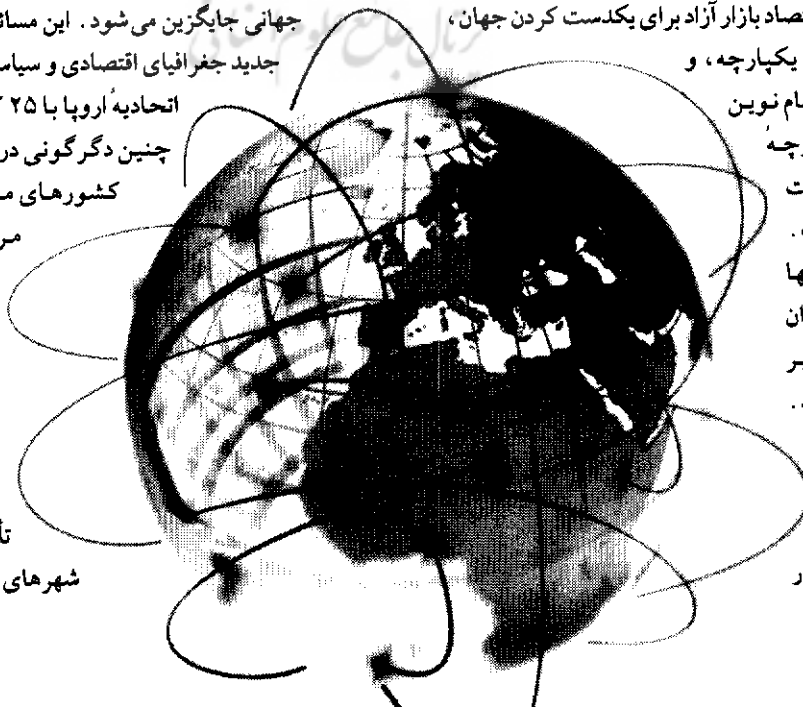
در جغرافیای

شهری مطالعه رشد و

توسعه، ویژگی ها و

تأثیرات جهان شهرها یا

شهرهای جهانی که تعداد آن ها



رو به فزونی دارد، و همچنین بررسی پیدایش فضاهاى نوین در چارچوب جهانی شدن و جایگاه کشورها در این فرایند، از فرصت‌هایی است که نباید از دست برود. تهران با وجود این که کلان‌شهر است و از جهانی جهانی نیز هست، اما هنوز نمی‌توان آن را از نظر شبکه فشرده اقتصاد سرمایه‌داری (تجمع فعالیت‌های عظیم سرمایه‌گذاری و بازرگانی، شرکت‌های بزرگ خدمات تخصصی پراج، بانک‌های جهانی، بازارهای سهام جهانی و بالاخره مراکز متمرکز فرماندهی شرکت‌های جهانی و عرضه محصولات و نوآوری‌های جهانی) که همچون تار عنکبوتی در جهان گسترش یافته، و نیز از نظر شبکه‌های جهان‌پیما، جزو جهان‌شهرها به‌شمار آورد و در آن، تراکم زمان و مکان را - مثل نیویورک، لندن، توکیو و پاریس - لمس کرد. با این حال، منافع ملی اقتضا می‌کند که کشور ما مقام سزاوار خود را در فرایند جهانی شدن پیدا کند تا مقهور نابسامانی‌های تحمیل‌شده از سوی جهانی سازی نشود و پیش‌بینی‌های لازم را برای جهان‌شهری تهران و پیشگیری از آفت‌های زیانبار آن و استفاده از مزیت‌های سودآور آن بنماید.

۱. روند جهانی شدن

برای روشن شدن بحث لازم است، چهار اصطلاح متداول را از هم تفکیک کنیم:

۱. بین‌المللی شدن: این واژه به معنای توسعه سطحی و عمقی روابط و اهمیت فزاینده روابط و گسترش‌های فرامرزی، مثلاً در زمینه‌های بازرگانی، تبادل‌ات علمی یا اطلاعات است.

۲. فراملی یا فراملیتی شدن: این واژه به معنای فرایند ایجاد نهادها و بازیگرانی است که از نظامات حقوقی دولتی فراتر می‌روند. قرارداد‌های حقوقی بین‌المللی و نیز شرکت‌های اقتصادی که ساختار آن‌ها مستقل از چارچوب مکانی یک ملت است نیز جزو آن‌ها هستند. شرکت‌های چندملیتی نوع برجسته شرکت‌های اقتصادی فراملیتی هستند. کمیسیون ملل متحد در «قانون تجارت بین‌الملل»، شرکت چندملیتی را به این شرح تعریف می‌کند: «اصطلاح شرکت چندملیتی شامل شرکت‌هایی می‌شود که از طریق شعبه‌های فرعی، شاخه‌ها یا شرکت‌های وابسته و یا سایر سازمان‌ها، در امور بازرگانی اساسی یا سایر فعالیت‌های اقتصادی کشور میزبان دخالت دارند، ولی کنترل یا تصمیم‌گیری‌های آن‌ها در کشور یا کشورهای دیگری که کشورهای مادر خوانده می‌شوند، متمرکز است» [۱].

۳. جهان شمول شدن یا هام شدن: بین واژه جهانی شدن و جهان شمول شدن باید تفکیک قائل شد. «بسیاری از چیزها جهان شمولند، بدون این که جهانی باشند؛ مثل علم. یعنی صحت آن‌ها محدود به یک مکان و زمان خاصی نیست، اما رواج آن‌ها شاید» [۲].

۴. جهانی شدن: یا «جهان‌گستری»، مرحله تازه‌ای را که بر

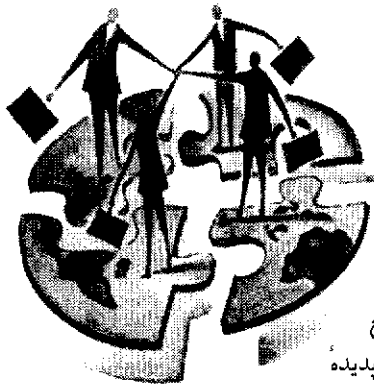
«شیوه تولید اطلاعات» مبتنی است، در تمدن بشر آغاز کرده است. این جهان‌نو، اگرچه کل بشر را فرا می‌گیرد، از اهمیت مرزها فرورگامسته است. جهان را به یک گوی تبدیل کرده است، اما به فرهنگ‌های متفاوت هم مجال می‌دهد تا موازنه خود را با آن و درون آن، برقرار سازند [۳]. به عبارت دیگر، واژه جهانی شدن در معنی و مفهوم ایجاد و تعمیق یک جامعه ارتباطاتی جهان‌گستر از طریق شبکه جهانی اطلاعات و جریان‌های حمل و نقل، و شتاب بخشیدن به تحولات فناوری، در عصر انقلاب فناوری اطلاعاتی، به کار می‌رود.

جهانی شدن در حال حاضر، به هیچ وجه به معنای یکپارچگی مناسبات جهانی نیست، بلکه در وهله اول، به مفهوم گسترش روابط و پیوندهای جهانی است. اصطلاح جهانی شدن معمولاً با تشدید تجارت بین‌المللی، جریان سرمایه بین‌المللی، و اهمیت‌یابی فزاینده شرکت‌های چندملیتی (یا فراملی) مانند شرکت «فورد» که در بیش از یک کشور عمل می‌کنند، مرتبط است. شرکت‌های چندملیتی اکنون بر زنجیره‌های تولیدی که کشورهای بسیار، بلکه قاره‌ها را در بر می‌گیرند، استوار است؛ به طوری که اکنون هر یک از مدیرعامل‌های کمپانی‌های بزرگ چندملیتی از رؤسای جمهور دولت‌های بزرگ هم منزلت بیش‌تری دارند.

جهانی شدن به این ترتیب یک فرایند متأخرتر بین‌المللی شدن و فراملی شدن است که در آن، عملیات فراملی در حوزه تولید و نیز در حوزه بازاریابی، به طور فزاینده‌ای در مقیاس جهانی ادغام گردیده‌اند. بنابراین، کالاهای نهایی در چندین محل، از ترکیب اجزایی که در مکان‌های متعدد و گوناگون ساخته می‌شوند، تولید می‌گردند. علاوه بر این، اگرچه ممکن است تولیداتی مانند اتومبیل، با توجه به بازار محلی طراحی شده باشند، لیکن چهار اجزای اصلی نظیر موتورها و دیگر دستگاه‌های خود را که به کاهش هزینه‌ها در چارچوب صرفه‌جویی‌های مقیاس کمک می‌کند، از محل دیگری می‌آورند و با هم به صورت یک کل ترکیب می‌کنند.

جهانی شدن، در حوزه هنر (موسیقی) و تولیدات هنری و اشاعه و وسیع ارزش‌های مادی غرب، مانند فرهنگ غذایی مشترک جهانی (مک‌دونالدی شدن) نیز به چشم می‌خورد. جهانی شدن مستلزم همگن‌سازی فرهنگی در نتیجه توسعه ارتباطات متقابل فرهنگی در سراسر جهان است. این فرایند به وسیله سیستم‌های جدید ارتباط از راه دور رواج پیدا می‌کند که انتقال سریع اطلاعات و اندیشه‌ها را گرداگرد جهان آسان می‌سازد. به هر حال، مقاومت‌هایی در برابر این نیروهای جهانی، از طریق تأکید بر هویت‌های فرهنگی-محلی، به ویژه در شکل بنیادگرایی اسلامی و جنبش‌های متعدد مردمی برای خودمختاری منطقه‌ای و همچنین در سطح سیستم‌های شهری و یک شهر واحد، وجود داشته است.

وجه دیگر ارزش جهانی شدن که در این جا مورد توجه قرار دارد، کاهش تأثیرگذاری قدرت دولت‌های ملی بر سرنوشتشان است. در



اوقات «جهانی - محلی شدن»^۱ نامیده می‌شود و به پیوندهای جهانی محلی اشاره دارد [۴].

جهانی شدن و محلی شدن^۲ پدیده‌هایی هستند که از اواسط دهه ۱۹۸۰ تشدید یافته‌اند و دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند از جنگ این دو پدیده

رشدیابنده بگریزد. این پدیده‌ها و اثرات و نتایج مادی و معنوی دم‌افزون آن‌ها را، اعم از مثبت و منفی، باید شناخت و به مقتضیات آن پاسخ درخور داد. چشم‌پوشی و هراس از پدیده جهانی شدن و پیامدهای آن، عقب‌افتادگی به دنبال دارد و سپس به وحشت، حیرت، اسارت، از خودبیگانگی و افتادن در دام قدرت‌های جهانی می‌انجامد.

جهانی شدن پرشتاب دو دهه اخیر تنها در جنبش اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه ابعاد گوناگونی دارد که اندیشمندان و نظریه‌پردازان رشته‌های گوناگون علوم، به ویژه اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات و جغرافیا، بیش‌تر بدان پرداخته‌اند. در چند دهه گذشته، تحولات ساختاری در اقتصاد جهانی موجب رشد عظیم شرکت‌های چندملیتی، گسترش آزاد و جهانی سرمایه و رشد بازار مالی جهانی، تشدید هرچه بیشتر روابط اقتصادی بین‌المللی، بین‌المللی شدن تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تدریجی یکپارچگی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌المللی، رشد اتحادیه‌های منطقه‌ای از طریق گسترش حجم تجارت کالا و خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری در سهام و تورسیم بین‌المللی شده است.

همراه، همزاد و مکمل این تحولات ساختاری عبارت است از پیشرفت‌های محیرالعقول و عمیق فنی و نوآوری در زمینه فناوری اطلاعات رسانی که جهان را از نظر تجانس فرهنگی، به قول مارشال هربرت مک‌لوهان^۳، اندیشمند کانادایی (۱۹۶۴ و ۱۹۸۹)، به صورت دهکده جهانی [۵] یا به قول فولر^۴ (در دهه ۱۹۸۰) به صورت «سفینه زمین»^۵ درآورده است [۶]. اهمیت فزاینده

خدمات و اطلاعات در اقتصاد جهان بدین معنی است که نسبت فزاینده‌ای از ارزش اقتصادی، بدون وزن است؛ یعنی می‌توان آن را از طریق کابل‌های فیبر نوری و فناوری مخابراتی و تصویری ارسال کرد. همزمان، بهبود در شبکه فناوری حمل و نقل، هزینه‌های کالارسانی از راه آب، زمین و هوا را کاهش می‌دهد و بهبود در فناوری اطلاعات،

مقیاس وسیع، این موضوع به جهانی شدن بازارهای مالی وابسته است؛ به طوری که هم‌اکنون پول می‌تواند به سرعت در سراسر مرزهای ملی جریان یابد. جساکپ^۶ عقیده دارد که نیروهای جهانی شدن به تهری شدن دولت ملی منجر شده است. بدین ترتیب که قدرت به‌طور فزاینده‌ای از طرفی به سوی بالا تا اشکال حکومتی فراملی مانند اتحادیه اروپا، و از طرف دیگر به سوی پائین تا سطوح محلی، نظیر «فدرالیزم جدید» در ایالات متحده، منتقل شده است. با وجود این، در دامنه انتقال قدرت نباید مبالغه کرد. برای مثال، روشن است که سازمان‌های بین‌المللی در مقایسه با دولت‌های ملی، در قلمروی ساماندهی مالی و زیست‌محیطی، نسبتاً ناتوان باقی مانده‌اند.

جهانی شدن تأثیرات عمیقی بر جغرافیای اجتماعی شهرها داشته است. به ویژه که این جریان به نظر ساسن^۷ (۱۹۹۱) به پیدایش شهرهای موسوم به شهرهای جهانی^۸ منجر شده است؛ مثل مراکز مسلطی مانند نیویورک، لندن و توکیو که بازیگران اصلی در متمرکز شدن نوین سیستم‌های مالی جهان هستند و گاهی اوقات به آن‌ها جهان‌شهر^۹ نیز می‌گویند. ساسن عقیده دارد، یکی از چهره‌های اصلی شهرهای جهانی، قطب‌بندی شدن اجتماعی، یعنی رشد نابرابری‌های اجتماعی در آن‌هاست. در مقیاسی وسیع، این نابرابری‌ها از خصوصیات خدمات مالی (تجاری) نشأت می‌گیرند. این خدمات به قشری از کارکنان که مزد نسبتاً خوبی دریافت می‌کنند، متکی هستند و این کارکنان به بسیاری از خدمات مصرفی مانند رستوران، فروشگاه و مغازه خشکشویی نیازمندند که به نوبه خود مورد استفاده کارکنانی که مزد اندکی دارند هم قرار می‌گیرند. این نابرابری اجتماعی در جغرافیای اجتماعی شهرهای جهانی نیز مطرح هستند. مسکن کارکنان مرفه شاغل در خدمات مالی ممکن است در مجاورت مسکن‌سازی با کیفیت پائین احداث شود؛ همان‌طوری که در بازسازی ناحیه باراندازهای لندن این کار انجام شد. تنش‌های اجتماعی مربوط به چنین امکانات نابرابری بدین معنی است که رفاه نیازمند توسل به بسیاری از تدابیر حفاظتی است.

در حالی که چند شهر می‌توانند دعوی منزلت جهانی واقعی به عنوان مراکز فرماندهی و مسلط در اقتصاد جهانی داشته باشند، لیکن

منطق دیگری نیز وجود دارد که می‌گوید، همه مراکز شهری اکنون جهانی هستند. زیرا همه آن‌ها در نتیجه رویدادها و تصمیم‌های برون‌مرزی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، همه آن‌ها درگیر رقابتی لجام‌گسیخته برای جذب سرمایه سیال به درون نواحی خود هستند. افزون بر این، یک برهم‌کنش تنگاتنگ بین نیروهای محلی و جهانی وجود دارد؛ فرایندی که گاهی



مدیریت ارتباطات دوسویه را آسان می‌سازد.

در عین حال که ابعاد اقتصادی جهانی شدن بر سایر ابعاد آن می‌چربد، اما حل مسائل و چالش‌های زیست‌محیطی جهانی که برخی از آن‌ها زائیده نظام تولید صنعتی کشورهای صنعتی جهان هستند و هستی انسان‌ها، گیاهان و جانوران روی زمین را تهدید می‌کنند، بدون همکاری و تصمیم‌گیری‌های مشترک جهانی امکان‌پذیر نیست.

همان‌طور که اقتصاد یک کشور ممکن است گرفتار نیروهای اقتصادی جهانی شود و آن کشور قدرت اندکی برای نظارت یا انحراف از آن داشته باشد، محیط‌زیست آن نیز امکان دارد، مورد تهدید فعالیت‌هایی قرار گیرد که در ورای کشور و بیرون از نظارت آن است. در برخی از کشورهای کم‌درآمد، تهدیدها ممکن است آن قدر سخت و طاقت‌فرسا باشند که توسعه پایدار را به خطر اندازند. تغییرات اقلیمی، برای مثال، می‌تواند سطح اقیانوس‌ها را بالا ببرد و خانه‌های میلیون‌ها انسان را در کشورهایی که دارای سرزمین پست (= کم‌ارتفاع) هستند، مثل بنگلادش، غرق در آب کنند. حکومت‌هایی که به تنهایی عمل می‌کنند و حتی سازمان‌های منطقه‌ای، نمی‌توانند به طور مؤثر و کارا به این نوع مسائل محیطی واکنش نشان دهند. پاسخ یا واکنش باید جهانی، یعنی مشترک باشند. کشورهای صنعتی در مورد بیش‌تر مسائل زیست‌محیطی جهانی موجود، به ویژه مسأله گازهای گلخانه‌ای انسان‌ساخته، مسؤولند، اما کشورهای در حال توسعه نیز همان‌طور که رشد می‌کنند، به سرعت در جریان اخذ این الگوهای صنعتی آلوده‌ساز قرار می‌گیرند و ظرفیت آن‌ها نسبت به سهم شدن در آسیب‌رسانی بیش‌تر به محیط‌زیست افزایش می‌یابد.

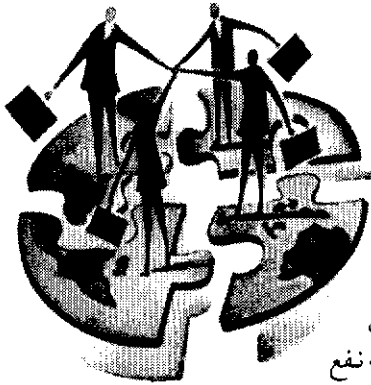
پیمان مونترآل مورخ ۱۹۸۷، یکی از موفقیت‌های واقعی زیست‌محیطی است که جهان تا آن زمان به خود دیده بود. در مونترآل همه کشورهای گرد هم آمدند تا درباره یک تهدید زیست‌محیطی مشترک سخن بگویند. پیمان مونترآل تلاش می‌کند تا مسأله انتشار گازهای کربن، فلوئور و کریون (CFCS) را که موجب کاهش غلظت یا نازک‌تر شدن لایه اوزون در قسمت‌های فوقانی جو زمین می‌شود، حل کند. در دهه ۱۹۸۰، دانشمندان دریافته‌اند که اجازه ادامه انتشار بی‌وقفه این گازها امکان تابش اشعه ماورای بنفش را به نحو خطرناکی در عرض‌های جغرافیایی بالاتر افزایش می‌دهد. این امر به نوبه خود، نرخ سرطان پوست و آب‌مروارید را در این مناطق بالا می‌برد و به محیط‌زیست آسیب می‌رساند.

جهان با شمار دیگری از مسائل مبرم محیط‌زیست که مردم جهان را تهدید می‌کنند، روبرو است. شاید بهترین مورد شناخته شده، تغییرات اقلیمی است که با افزایش انتشار گاز کریون دی‌اکسید و گاز متان در جو زمین ارتباط دارد. مسائل دیگر عبارتند از: خسارت‌های تغییرات بیولوژیکی که با نرخ هراس‌انگیزی

(هشدار دهنده‌ای) در حال وقوع هستند؛ بیابان‌زایی؛ کاهش ذخایر آب‌زیان؛ گسترش آلاینده‌های آلی پایا؛ و تهدیدهای اکولوژی قاره قطب جنوب.

موفقیت در باب لایه اوزون، مدلی برای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی آتی درباره قضیه حفظ محیط‌زیست جهانی فراهم آورده است و مسأله علمی مهمی برای بیان خطر خسارت زیست‌محیطی است که حل آن مستلزم انجام تصمیمات و اقدامات قاطع و مؤثر، و بحث عام باز و نیرومندی است. مردم جهان و دولت‌های آن‌ها باید به این باور برسند که هزینه‌های تخریب‌های زیست‌محیطی آن قدر سنگین شده‌اند که اقدامی فوری را توجیه می‌کنند. البته آنچه به جای عملکردهای فعلی باید جایگزین شود، هم از نظر فنی و هم از نظر هزینه‌ای، باید قابل انجام باشد و همه کشورهای باید آمادگی مشارکت در این امر را بر اساس ضوابط بین‌المللی داشته باشند. گاه این خواست مستلزم پرداخت هزینه است که در این صورت، کشورهای ثروتمند باید به یاری اقتصادهای در حال توسعه (= کشورهای دارای درآمد پایین) بشتابند تا گروه اخیر بتواند، هزینه‌های مورد نیاز و پرداخت غرامت یا جرمات مصوب به کشورهای را که استانداردهای موضوعه را رعایت می‌نمایند، تأمین کند. سرانجام، خود استانداردها باید انعطاف‌پذیر باشند؛ زیرا به ندرت اتفاق می‌افتد که در مورد مسائل جهانی، یک راه‌حل واحد برای همه مناسب باشد.

شرایطی که تغییرات بیولوژیکی و تغییر اقلیمی را در بر گرفته است، این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که رسیدن به موافقت‌نامه بین‌المللی در این قضیه، به مراتب پیچیده‌تر از آن است که در مورد کاهش لایه اوزون وجود داشت. اما جامعه بین‌المللی در جست‌وجوی راه‌حل است. امضای پیمان‌نامه درباره تغییرات بیولوژیکی (= زیست‌شناختی) و موافقت‌نامه تغییر اقلیمی به سال ۱۹۹۲ در اجلاس «سران زمین-ریو»، مبنایی را برای حرکت به جلو پدید می‌آورد. سازمان محیط‌زیست جهانی (GEF)، ابتکار مشترک «برنامه توسعه سازمان ملل متحد»، «برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد»، و «بانک جهانی» است. سازمان محیط‌زیست جهانی کمک‌ها و بودجه‌های خاصی (آموزشی یا پژوهشی) را پیش‌بینی و تأمین می‌کند تا هزینه‌های اضافی کشورهای را بپوشاند که یک طرح توسعه در زمینه یک یا چند مسأله زیست‌محیطی جهانی (تغییر اقلیم، خسارت‌های تغییرات بیولوژیکی، آلودگی آب‌های بین‌المللی و کاهش لایه اوزون) را هدف قرار داده‌اند. دولت‌های ملی می‌توانند، در حالی که گام‌های چندی را در راه بهبود رفاه محلی برمی‌دارند، به حفظ مشترکات محیط‌زیست جهانی نیز کمک کنند. با حذف یارانه سوخت و بهبود حمل و نقل عمومی، برای مثال، نه تنها منافع حاصل از آن را عاید بودجه کشور خود می‌کنند، بلکه در کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کریون جهانی که بر سایر



ویژگی‌های ملت‌ها و اقوام را با تبادل مثبت، ضمن پذیرش مبانی فرهنگی و تمدنی جهان، غنی‌تر، گسترده‌تر، ژرف‌تر و استوارتر گردانید؟

بحث دیگر این است که جهانی

شدن، قدرت دولت‌های ملی را به نفع

سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مدنی بین‌المللی کاهش می‌دهد و سبب می‌شود، مردم‌سالاری جایگزین استبداد شود. در هر صورت، در وضعیت کنونی سود از آن کشورهای پیشرفته صنعتی مردم‌سالار است و اگر کشورهای جهان سوم هشیاری و بیش کافی برای بهره‌مندی از سودهای جهانی شدن و محلی شدن را نیابند، دچار نوع خاص استعمار عصر فناوری و سرمایه توسط کشورهای آمریکا، ژاپن و اروپای غربی خواهند شد. برای آن‌که راه و روش مقابله با این استعمار هموار شود، باید پیشینه، روند، سازوکارها، اثرات و به طور کلی سیستم جهانی شدن و محلی شدن را بررسی کرد.

زیرنویس

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| 1. Internationalisation | 2. Transnationalisation |
| 3. Global Player | 4. Universalization |
| 5. Globalisation | 6. Jessop |
| 7. Sassen | 8. global cities |
| 9. world city | 10. Glocalization |
| 11. Localization | 12. Melohan |
| 13. Foller | |

منابع

۱. سماواتی، حشمت‌الله. «شرکت‌های چندملیتی: عطیه یا بلیه؟» اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۱۰۴-۱۰۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵. ص ۱۲۶.
۲. مردانی، مرتضی. «جهانی شدن فرهنگی، علیرضا اشراقی در گفت‌وگو با مرتضی مردانی». حیات نو (روزنامه)، سه‌شنبه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۷۹. شماره ۱۷۴. ص ۷.
۳. رجائی، فرهنگ. پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرننگ. انتشارات آگاه. تهران. ۱۳۷۹. ص ۲۸-۲۷ و ۴۲-۴۱.
4. Short, John Rennie & Yeong - Hyun Kim (1999): Globalization and the City, England, Addison Wesley longman limited, pp. 44-45.
۵. واترز، مالکوم. جهانی شدن. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاروش مریدی. انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. ۱۳۷۹. ص ۵۵. همچنین در کتاب زیر: McLuhan, M. (1989): the Global Villaage: Transformations in World Life and Media in The 21st Century. Oxford University Press. New York, NY, USA.
۶. واترز، مالکوم: همان‌جا، ص ۱۵۳.
7. THE WORLD BANK GROUP: Entering the 21st Century, World Development Report 1999/2000, "Global environmental challenges".1) PP. 10-12 (<http://WWW.worldbank.Org/Wdr2000/Overview.html>).
۸. همان.

کشورها اثر می‌گذارد نیز مشارکت می‌نمایند» [۷].

به موازات جهانی شدن، اعتلای سطح آموزش، فرهنگ، اقتصاد و نوآوری‌های فنی، امکان گردش اندیشه را گسترش داده و محلی‌گرایی تقویت شده است. بسیاری از کشورها دارای نظام مردم‌سالاری شده‌اند و مشارکت سیاسی از طریق انتخابات در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی رو به رشد گذاشته است. دولت‌های ملی به طور فزاینده‌ای در حال تقسیم مسؤلیت‌ها و منابع درآمد با مناطق و نواحی داخلی هستند. مردم با تشکیل سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، هدف‌هایی مثل اصلاحات سیاسی، حفظ محیط‌زیست، و برابری جنسی، آموزشی و اقتصادی را تعقیب می‌کنند. محلی شدن به منظور بالا بردن سطح مشارکت در تصمیم‌گیری و به‌خاطر دادن فرصت بیش‌تر به مردم برای حل بهتر مسائل زندگی‌شان مورد توجه است. با غیرمتمرکز شدن دولت، تصمیم‌سازی‌ها در سطوح محلی انجام می‌گیرند و با نزدیک شدن به رأی‌دهندگان در روند محلی شدن، مسؤلیت‌ها و کارآمدی اداره امور تقویت می‌شود.

جهانی شدن، دولت‌های ملی (= کشورها) را ملزم می‌سازد تا بکوشند، با شرکای خود، یعنی دیگر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی، از طریق نهادهای فراملی به توافق‌های مشارکتی برسند. محلی شدن، دولت‌های ملی را ملزم می‌سازد تا کوشش کنند با نواحی، شهرها و دیگر محل‌ها از طریق نهادهای درون‌کشوری درباره قضایایی چون تقسیم مسؤلیت‌ها برای افزایش درآمدهای دولت به توافق‌های مشارکتی دست یابند.

در حالی که جهانی شدن توجه حکومت‌های ملی را به رویدادها، نیروها و ایده‌های بیرون از مرزهای آن‌ها معطوف می‌دارد، محلی شدن روشنگر آرا و آرزوهای گروه‌ها و جامعه‌های محلی داخل کشور است. به محلی شدن از دو جنبه توجه خاصی می‌شود: عدم تمرکز و شهرنشینی. محلی شدن موجب پدید آمدن کثرت‌گرایی سیاسی و خودگردانی در سراسر جهان شده است. یکی از جلوه‌های آن افزایش شمار کشورهای جهان است که با کسب استقلال مناطق بالا رفته است. نمود دیگر تغییر، در انتخاب حکومت‌های کشورهاست. تا ۲۵ سال قبل، فقط کم‌تر از یک سوم کشورهای جهان کشورهای دموکراسی (= مردم‌سالار) بودند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، این نسبت به بیش از ۶۰ درصد فزونی یافته است» [۸].

جریان جهانی شدن و محلی شدن، فرایند بلندمدتی است که سودها و زیان‌های خاص خود را، برای کشورها، دولت‌ها، اقوام و فرهنگ و تمدن آن‌ها، در بر دارد. از بحث‌های مهم جهانی شدن یکی هم این است که آیا فرایند جهانی شدن، برخورد تمدن‌ها یا گفت‌وگوی تمدن‌ها، سبب می‌شود اصول، اساس و ارزش‌های اصیل تمدنی یا هویت ملت‌ها و اقوام نابود و کمرنگ گردند، یا این که می‌توان این